

فهرست

۱۳	قاعده ید
۱۳	معنای ید
۱۳	معنای ید قاعده ید
۱۳	مستندات قاعده ید
۱۴	اماره یا اصل عملی بودن قاعده ید
۱۴	معنای تصرف
۱۴	شرایط اعمال اماره تصرف
۱۴	موضوعات اماره تصرف
۱۵	تعارض اماره تصرف و سایر ادله مبنی بر مالکیت
۱۵	تعارض بین تصرف فعلی و تصرف سابق
۱۵	تعارض بین تصرف فعلی و مالکیت سابق
۱۵	تعارض بین وقفیت سابق و تصرف کنونی
۱۶	در تعارض بین تصرف کنونی و مالکیت عمومی سابق
۱۶	تعارض قاعده ید و بینه
۱۶	تعارض اصل استصحاب با قاعده ید
۱۶	تعارض قاعده ید با قاعده علی الیه
۱۶	تعارض بین دو ید (یدین)
۱۶	حاکمیت ید در حقوق مالی
۱۷	حاکمیت ید در اعراض و آنساب
۱۷	حاکمیت ید در منافع
۱۷	تعداد ایادی بر دال واحد
۱۷	اختلاف زوجین یا وراث نسبت به اثاث البیت مشترک
۱۸	رابطه تصرف و حق ارتفاق
۱۸	اقرار متصرف به مالکیت سابق مدعی
۱۹	سوالات قاعده ید
۲۳	قاعده ضمان ید
۲۳	تعریف ضمان ید
۲۳	مستندات قاعده ضمان ید
۲۳	اقسام ید و تعاریف آن
۲۴	تفاوت ضمان ید و اتلاف
۲۴	تفاوت قاعده علی الید و قاعده ید
۲۵	شبه غصب و مورد آن
۲۵	مسئولیت‌های غاصب
۲۶	ضمان غاصب نسبت به منافع

۲۶	استیفای منافع متعدد مال مغضوب
۲۶	مسئولیت غاصب نسبت به خسارات
۲۷	تعاقب ایادی غاصبان
۲۷	شیوه‌های ابراء ذمه
۲۸	پد صغیر و مجنون
۲۸	استیفاء از کار غیر
۲۸	استیفاء از مال غیر
۳۰	سوالات قاعده ضمان ید
۳۴	قاعده تسلیط
۳۴	قاعده تسلیط
۳۴	مستندات قاعده
۳۶	موارد کاربرد قاعده تسلیط
۳۶	قاعده تسلط بر حقوق و أنفس
۳۷	عدم تقدم قاعده تسلیط در صورت ضرر به دیگری
۳۷	صور متصور قاعده تسلیط و لاضرر
۳۸	سوالات قاعده تسلیط
۴۱	قاعده تلف مبيع قبل از قبض
۴۱	مستندات قاعده
۴۲	حالات تلف یا اتلاف «مبيع معین» قبل از قبض
۴۲	تلف یا اتلاف «مبيع کلی» قبل از قبض
۴۳	تلف «منافع» قبل از قبض
۴۳	ضمان معاوضی درباره نقص و عیب مبيع
۴۳	ضمان معاوضی در صورت انحلال عقد
۴۳	ضمان معاوضی پس از تسلیم
۴۴	شرایط معاوضی بعد از قبض تلف جزء مبيع
۴۴	تلف ثمن
۴۴	وضعیت نماء در فاصله میان عقد و تلف
۴۶	سوالات قاعده تلف مبيع قبل از قبض
۵۰	قاعده اتلاف
۵۰	مستندات قاعده اتلاف
۵۱	اتلاف و تسبیب
۵۳	اجتماع سبب و مباشر
۵۴	تفاوت ضمان اتلاف و ضمان ید
۵۴	مفهوم ضرر و اقسام آن
۵۶	سوالات قاعده اتلاف
۶۰	قاعده اقدام

۶۰	مستندات قاعده اقدام
۶۱	اقدام به زیان
۶۱	مواردی از قاعده اقدام به زیان
۶۲	اقدام به ضمان
۶۲	شرایط اصلی قاعده اقدام
۶۳	رابطه قاعده لاضرر و قاعده اقدام
۶۳	رابطه قاعده اتلاف و قاعده اقدام
۶۳	قاعده اقدام در معاملات
۶۴	قاعده اقدام در قانون مجازات اسلامی
۶۴	کاربردهای دیگر قاعده اقدام
۶۵	سوالات قاعده اقدام
۶۷	قاعده لاضرر
۶۷	مستند قاعده لاضرر
۶۸	معنای ضرر و ضرار
۶۸	معنای «لا» در قاعده «لاضرر»
۶۸	تزام قاعده تسلیط و قاعده لاضرر
۶۹	تعارض قاعده لاضرر و قاعده لاجرح
۶۹	قاعده لاضرر در عبادات و معاملات
۷۰	آیا برای دفع اضرار از خود، اضرار به غیر جایز است؟
۷۰	قاعده لاضرر در قانون مدنی
۷۱	سوالات قاعده لاضرر
۷۴	قاعده غرور
۷۴	عناصر تشکیل دهنده غرور
۷۴	مستندات قاعده غرور
۷۵	مدلول قاعده غرور
۷۵	رابطه مالک با غاز و مغرور
۷۶	تفاوت قاعده غرور و تدلیس
۷۶	موانع قاعده غرور
۷۷	مصادیق قاعده غرور
۷۸	قاعده غرور در قانون مدنی
۸۰	سوالات قاعده غرور
۸۴	قاعده احسان
۸۴	شرایط اعمال قاعده احسان
۸۵	موارد کاربرد قاعده احسان
۸۵	مستندات قاعده احسان
۸۶	تفاوت قاعده احسان با قواعد اتلاف و تسبیب
۸۶	تفاوت اضطرار و قاعده احسان

۸۷	قاعده احسان در پزشکی
۸۸	تفاوت قاعده احسان و قاعده ائتلاف
۸۹	سوالات قاعده احسان
۹۲	قاعده اکراه
۹۲	مستندات قاعده اکراه
۹۳	مقایسه اضطرار، اکراه و اجبار
۹۴	شباهت اکراه و اضطرار
۹۴	عناصر اکراه
۹۴	شرایط تحقق اکراه
۹۵	نقش اکراه در معاملات (قانون مدنی)
۹۵	اکراه در قوانین موضوعه جزائی
۹۷	سوالات قاعده اکراه
۱۰۰	قاعده اضطرار
۱۰۰	مستندات قاعده اضطرار
۱۰۰	شرایط تحقق اضطرار
۱۰۱	شرایط اقدام مضطر
۱۰۱	تشابه بین اکراه با اضطرار
۱۰۲	وجوه افتراق اکراه با اضطرار
۱۰۲	تشابه میان اجبار و اضطرار و افتراق آن
۱۰۳	سوءاستفاده از اضطرار
۱۰۴	وضعیت حقوقی معادلات در حالت سوءاستفاده اضطرار
۱۰۴	اضطرار در حقوق مدنی
۱۰۴	اضطرار در قانون مجازات اسلامی
۱۰۶	سوالات قاعده اضطرار
۱۱۰	قاعده نفی عسر و حرج
۱۱۰	مستندات قاعده نفی عسر و حرج
۱۱۱	قلمرو قاعده نفی عسر و حرج
۱۱۲	شرایط اعمال قاعده نفی عسر و حرج
۱۱۲	مقایسه قاعد نفی عسر و حرج با تکلیف ملایطاق.
۱۱۳	تفاوت قاعده نفی عسر و حرج و تکلیف بمالایطاق
۱۱۳	تعارض قاعده نفی عسر و حرج با قاعده لاضرر
۱۱۴	عسر و حرج از منظر قانون
۱۱۶	سوالات قاعده نفی عسر و حرج
۱۱۸	قاعده نفی سبیل
۱۱۸	مستندات قاعده نفی سبیل
۱۱۹	کاربرد قاعده نفی سبیل

مهم‌ترین مصادیق قاعده نفی سبیل

۱۲۰

سوالات قاعده نفی سبیل

۱۲۱

قاعده درء

۱۲۳

مستند قاعده درء

۱۲۳

تحلیل واژگان قاعده درء (ادریءالحدود بالشبهات)

۱۲۴

اقسام شبهه در فقه شیعه

۱۲۴

اقسام شبهه در قانون مجازات اسلامی

۱۲۵

واژه «الحدود»

۱۲۶

تأثیر قاعده درء در انواع مجازات‌ها

۱۲۶

اعمال قاعده درء در مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ ق.م.ا.

۱۲۷

تأثیر قاعده درء در مراحل دادرسی

۱۲۷

رابطه قاعده درء با اصل برائت

۱۲۸

رابطه قاعده درء با اصل احتیاط

۱۲۹

سوالات قاعده درء

۱۳۰

قاعده لوث و قسامه

۱۳۳

قسامه

۱۳۳

مستندات قسامه

۱۳۳

کاربرد قسامه

۱۳۴

شرایط اعمال قسامه

۱۳۴

شرایط تحقق لوث

۱۳۴

تعداد قسامه و چگونگی آن

۱۳۵

قسامه در قانون مجازات اسلامی

۱۳۶

ویژگی قسامه در نظام حقوقی ایران

۱۳۶

سوالات قاعده لوث و قسامه

۱۳۸

قواعد فقهی مهم

۱۴۲

انحلال عقد واحد به عقود متعدد

۱۴۲

ما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده

۱۴۴

ما قُصِدَ لَمْ یَقَعْ و ما وَقَعَ لَمْ یُقَصِّدْ

۱۴۴

سالبه بانتفاء موضوع

۱۴۶

العقودُ تابعةٌ للقُصود

۱۴۶

الصلح سید الاحکام

۱۴۷

الحاکم ولی الممتنع

۱۴۷

اذن در شیء، اذن در لوازم آن است

۱۴۹

إذا زال المانع عاد الممنوع

۱۴۹

إذا انتفى القید انتفى المقید

۱۵۰

الشرطُ الفاسدُ لیست بمفسدٍ للعقد

۱۵۰

الزعم غارم

۱۵۱



۱۵۲	ضمان درک
۱۵۲	الساقط لا يعود
۱۵۳	(التلف في زمن الخيار ممن لا خيار له)
۱۵۳	قاعده صحت
۱۵۵	اصل تأخر حادث
۱۵۶	إذا جاء الإحتمال بطل الإستدلال
۱۵۷	تكليف بما لا يطاق
۱۵۷	من له الغنم فعليه الغرم
۱۵۸	قاعده اقرار
۱۵۸	من ملك شيئاً ملك الإقرار به
۱۵۹	انكار بعد اقرار مسموع نیست
۱۶۰	البينة على المدعى و اليمين على من انكر
۱۶۱	قاعده استيمان (ليس على الأمين الا اليمين)
۱۶۲	الاصل دليل حيث لا دليل له
۱۶۳	الدليلان إذا تعارضا تساقطا
۱۶۳	قبح عقاب بلا بيان
۱۶۴	قاعده وزر
۱۶۵	التعزير دون الحد
۱۶۷	منابع



قاعده ید

معنای ید

واژه ید در لغت‌نامه به معنای دست می‌باشد. در اصطلاح حقوقی تصرف در مالی را ید گویند. خواه تصرف قانونی باشد یا غیر قانونی. یا به بیان دیگر به تصرف مالکانه و تسلط خارجی و مادی بر مال، ید می‌گویند.

معنای ید قاعده ید

قاعده ید از قواعد مشهور فقهی به معنای اینکه سلطه فردی بر مالی نشانه مالکیت وی نسبت به آن مال است. یا به بیان دیگر عبارت است از سلطه و اقتدار شخصی بر شیء به گونه‌ای که عرفاً آن شیء در اختیار و استیلائی او باشد و بتواند هرگونه تصرف و تغییری در آن به عمل آورد.

مستندات قاعده ید

الف: سیره: روش مستمر مسلمانان با دارنده شیء معامله کرده و بدون اذن و اجازه او در مال تصرف نمی‌کنند.

ب- بنای عقلاء: شارع چون یکی از عقلاء و به تعبیر بهتر و در رأس آن است، وقتی فردی چیزی را در تصرف دارد، ظاهر و اصل این است که مالک آن است.

ج- اجماع: از دلایل حجیت ید بوده و در صورت کاشفیت از رأی معصوم (ع) حجت است.

د- سنت: روایت حفص بن غیاث در میان فقهاء بسیار معروف است. در مورد ید از حضرت امام صادق (ع) نقل می‌کند ... اگر من چیزی را در دست کسی ببینم جایز است شهادت بدهم آن شیء مال او است؟ حضرت فرمود: آری جایز است.

روایت یونس بن یعقوب: ... امام صادق (ع): مَنْ اسْتَوْلَى عَلَى شَيْءٍ مِنْهُ فَهُوَ لَهُ يَعْنِي کسی که بر چیزی تسلط دارد آن چیز متعلق به اوست. و روایت‌های دیگر.

سوالات قاعده ید

۱- عبارت زیر، بیانگر کدام قاعده فقهی است؟

«تصرف به عنوان مالکیت، دلیل مالکیت است» ماده ۳۵ قانون مدنی

- الف) من ملک ب) ضمان ید ج) ید د) تسلیط
- ☒ گزینه «ج» درست است.

۲- درباره اماره تصرف کدام مورد صحیح است؟

- الف) ملاک اعتبار در تصرف، تصرف بالمباشرة است.
 ب) اماره تصرف ویژه اعیان است و در منافع و حقوق اعمال نمی‌شود.
 ج) در تعارض بین تصرف کنونی و وقفیت سابق، تصرف دلیل بر مالکیت است.
 د) در تعارض بین اماره تصرف سابق و اماره تصرف کنونی، اماره تصرف کنونی مقدم است.
- ☒ گزینه «د» درست است.

۳- موضوع اماره تصرف (قاعده ید) چیست؟

- الف) استصحاب تصرف است.
 ب) معلوم بودن وضعیت ید و تصرف است.
 ج) معلوم بودن سابقه و وضعیت تصرف است.
 د) مجهول بودن وضعیت ید و تصرف است.
- ☒ گزینه «د» درست است.

طبق نظر اکثر حقوقدانان اماره ید موضوع ماده ۳۵ قانون مدنی، در صورتی دلیل مالکیت است که سابقه تصرف متصرف در مال مورد نظر معلوم نباشد. اگر کسی در برابر متصرف مدعی مالکیت است، باید اثبات کند سابقاً مال در ملکیت او بوده، متصرف نمی‌تواند با اماره ید مالکیت فعلی خود را اثبات کند. برای حفظ تصرف خود باید ملکیت مال با ناقل قانونی را اثبات کند.

۴- درباره اماره تصرف، کدام مورد صحیح است؟

قاعده ضمان ید

تعریف ضمان ید

قاعده ضمان ید یا قاعده علی الید مستند حدیث نبوی است که بین همه فقهاء مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. بر پایه این قاعده، گیرنده مال غیر، ضامن رد عین یا بدل آن در صورت تلف و جبران خسارت، در صورت نقصان آن است. این قاعده با اطلاق خود، همان طور که می تواند دلیلی بر ضمان عین باشد، می تواند مبین منفعت و عمل نیز باشد.

این قاعده شامل انواع تصرف و وضع ید، خواه عدوانی یا غیر عدوانی یا امانی می شود.

مستندات قاعده ضمان ید

(الف) بنای عقلاء: بنا بر بنای عقلاء هر شخصی که مال دیگری را تصرف می کند در مقابل مالک، مسئول می باشد. در نظام حقوقی، لزوم رد مال غیر و جبران خسارت در زمان تلف، بر هر نوع تصرف غیر قانونی مترتب می باشد.

(ب) سیره: سیره مستمر و رویه جاری مسلمانان، قاعده مزبور در حقوق اسلامی را مورد پذیرش قرار داده است.

(ج) حدیث نبوی: حدیث مشهور از پیامبر اکرم (ص) که می فرماید: «عَلَى الْيَدِ مَا أَخَذْتَ حَتَّى تُؤَدِّيَهُ» یعنی بر دست است آنچه را گرفته تا وقتی که آن را ادا کند.

اقسام ید و تعاریف آن

ید در یک تقسیم بندی بر دو نوع است: ید امانی و ید ضمانی

ید امانی: هرگاه مال توسط مالک یا قائم مقام قانونی و شرعی او به دیگری تحویل و اجازه وضع ید به او داده شود، بدون آنکه برای آن عوضی ملحوظ گردد، ید گیرنده، ید امانتی محسوب می شود و او در فرض تلف بدون تعدی و تفریط ضامن نخواهد بود. این نوع تصرفات در مال، به طور موقت و به منظور حفظ مال به دست امانتدار داده می شود.

ید ضمانی: به حالتی اطلاق می شود که فرد در مال دیگری تصرف دارد، اما در این

سوالات قاعده ضمان ید

۱- مقبوض به عقد فاسد:

- الف) مشمول احکام ید امانی است.
 ب) با قبول ثالث، قابل ترتیب اثر است.
 ج) از مصادیق (در حکم غصب) تلقی می شود.
 د) هیچ کدام
- ☒ طبق ماده ۳۳۶ قانون مدنی گزینه «ج» درست است.

شخصی که با عقد فاسد تملیکی، مال غیر را تصرف کرده در حکم غاصب است و مانند غاصب، ضامن عین و منافع مال مقبوض است. اعم از اینکه عقد فاسد معوض باشد یا رایگان.

۲- قانونگذار در کدام یک از موارد زیر وجود رابطه سببیت میان فعل شخص و ضرر وارده را برای جبران خسارت لازم ندانسته است؟

- الف) غصب ب) اتلاف ج) تسبیب د) اکراه
- ☒ گزینه «الف» درست است.

طبق ماده ۳۱۱ قانون مدنی «غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید و اگر عین تلف شده باشد باید مثل یا قیمت آن را بدهد...» با توجه به اطلاق حکم ماده، اگر تلف مال مغضوب در اثر قوه قاهره وقوع یابد و رابطه سببیت بین فعل غاصب و ورود زیان نباشد باز هم غاصب، ضامن مثل یا قیمت مال مغضوب است.

۳- در بحث ترتیب ایادی متعاقب بر مال مغضوب و مسئولیت تضامنی غاصبان در مورد منافع:

- الف) کلیه غاصبان ضامن تمام منافع در مدت غصب هستند.
 ب) هر غاصبی ضامن عوض منافع مدت تصرف خود و لاحقین خود است.
 ج) غاصبان لاحق غاصبی که عوض منافع را پرداخت کرده است در مقابل او مسئولیت تضامنی ندارد.
 د) گزینه های ب و ج



قاعده تسلیط

قاعده تسلیط

قاعده تسلیط یا قاعده تسلط یا قاعده سلطنت بر اموال، از اصول مسلم فقهی و حقوقی است به این معنا که هر کس بر مال خود سلطه دارد و می‌تواند هر گونه تصرفی در آن انجام دهد، مگر در مواردی که شرع یا قانون منع کرده باشد. به عبارت دیگر مالکیت یک حق مطلق است و مال می‌تواند از مال خود به هر شکلی که می‌خواهد بهره‌برداری کند، به شرطی که این بهره‌برداری به حقوق دیگران ضرر نرساند.

مستندات قاعده

(الف) کتاب: آیه شریفه ۲۹ سوره نساء «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» یعنی اموال یکدیگر را به باطل مخورید مگر از طریق معاملات همراه با رضایت یکدیگر. مفاد آیه دلالت بر سلطنت مالک بر اموال دارد.

(ب) روایت: از رسول الله (ص) نقل گردیده است: «الناس مسلطون علی أموالهم» یعنی مردم بر اموال خویش مسلط هستند.

(ج) بنای عقلا: سیره و روش عقلاء چنین است که صاحبان اموال و املاک نسبت به اموال خویش سلطنت مطلق داشته و محدودیت و مانعی برای آنان نباشد.

(د) اجماع: توافق و تسالم فقهاء بر پذیرش این قاعده به عنوان یک اصل مسلم استناد شده است.

اصل تسلیط در ماده ۳۰ قانون مدنی

هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده است.

مالکیت: دارنده حق مالکیت می‌تواند در هر زمان که بخواهد، هر استفاده‌ای را در مال خود بنماید. و دیگران را از تصرف در مال خود منع کند.



سوالات قاعده تسلیط

۱- دو روایت ذیل بیانگر کدام قاعده فقهی است؟

«حرمة مال المسلم تحرمة دمه» حرمت مال مسلمان مانند حرمت خون آنان است.
«لا یحل مال امرء الا عن طیب نفسه» حلال نیست مال مسلمان مگر از روی رضایت خاطر وی.

الف) قاعده من ملک ب) قاعده سلطنت ج) قاعده ید د) قاعده لاضرر

☒ گزینه «ب» درست است

این دو روایت به طور صریح، تصرف در مال دیگری را غیر مجاز اعلام داشته است.

۲- از ویژگی‌های مالکیت کدام گزینه نادرست است؟

الف) حق مالکیت به صورت همیشگی و دائمی و بدون محدودیت زمانی ایجاد می‌شود.
ب) دائمی بودن اختصاصی به مالکیت عین دارد نه منفعت و حق انتفاع
ج) حق مالکیت با هبه، بیع، صلح یا معاوضه به شخص دیگری منتقل می‌شود.
د) دارنده حق مالکیت می‌تواند در هر زمان که بخواهد و هر استفاده‌ای را مال خود بنماید.

☒ گزینه «د» درست است.

مطابق ماده ۳۰ قانون مدنی هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده است.

۳- کدام گزینه از خصیصه‌های مالکیت نمی‌باشد؟

الف) انحصاری بودن ب) مطلق بودن ج) دائمی بودن د) سلب تصرف

☒ گزینه «د» درست است

مطابق ماده ۳۱ قانون مدنی گزینه «د» درست است زیرا سلب تصرف با سلب مالکیت متفاوت است.

۴- قاعده تسلط در کدام مورد اتفاق فقهاء است؟



قاعده تلف مبیع قبل از قبض

قاعده «تلف مبیع قبل از قبض» در حقوق به این معنی است که اگر کالای فروخته شده (مبیع) پس از انعقاد قرارداد و پیش از تحویل به مشتری، بدون تقصیر فروشنده تلف شود، عقد بیع منفسخ شده و ثمن (قیمت کالا) باید به مشتری باز گردد. این قاعده بر پایه عدول انصاف استوار بوده و در ماده ۳۸۷ قانون مدنی نیز به رسمیت شناخته شده است. و در اصطلاح حقوقی به آن ضمان معاوضی می گویند.

مستندات قاعده

(الف) روایت: حدیث نبوی «کل مبیع تلف قبل قبضه فهو من مال بائعه»

یعنی هر مبیع که قبل از قبض تلف شود از مال بایع آن تلف گردیده است.

(ب) اجماع: شیخ مرتضی انصاری، صاحب جواهر و علامه حلی (ره) در این موضوع ادعای اجماع نموده اند.

(ج) سیره: بنابر سیره مستمر مسلمانان، در بیع هرگاه کالای مورد معامله قبل از قبض طرف مقابل تلف گردد، خسارت متوجه شخصی است که مال، قبل از معامله نزد او بوده نه کسی که به موجب معامله جدید مالک شده است.

بررسی ماده ۳۸۷ قانون مدنی

اگر مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع تلف شود بیع منفسخ و ثمن باید به مشتری مسترد گردد مگر اینکه بایع برای تسلیم به حاکم یا قائم مقام او رجوع نموده باشد که در این صورت تلف از مال مشتری خواهد بود.

اجرای این ماده مشروط است:

مبیع: عین معین یا در حکم عین معین باشد.

تلف در اثر حوادث خارجی باشد.

تلف قبل از تسلیم مبیع یا قبل از انقضاء خیار مختص مشتری باشد.

بایع برای تسلیم رجوع نکرده باشد.



سوالات قاعده تلف مبیع قبل از قبض

۱- قاعده تلف مبیع قبل از قبض در حقوق ایران، ناظر به مبیعی است که:

- | | |
|-----------------------|------------------|
| الف) کلی در معین باشد | ب) عین معین باشد |
| ج) کلی فی الذمه باشد | د) هر سه مورد |

✓ گزینه «د» درست است.

تلف مبیع قبل از قبض در اثر قوه قاهره موجب انفساخ هر سه قسم بیع عین معین، کلی در معین و عین کلی در ذمه است. اگر مبیع، عین کلی باشد، تلف شدن آن بعد از تعیین مصداق و قبل از قبض توسط مشتری، سبب انفساخ بیع می‌شود.

۲- کدامیک از ضمانات زیر، ناشی از انفساخ عقد صحیح است؟

- | | | | |
|----------------|--------------|----------------|---------------------|
| الف) ضمان عهده | ب) ضمان دَرک | ج) ضمان معاوضی | د) ضمان قبوض بالسوم |
|----------------|--------------|----------------|---------------------|

✓ گزینه «ج» درست است.

۳- ضمان معاوضی در عقد بیع با ... منتقل می‌شود.

- | | |
|---------------------|-------------------------------|
| الف) انعقاد عقد بیع | ب) تسلیم مبیع |
| ج) تلف قهری مبیع | د) نقض یکی از تعهدات قراردادی |

✓ طبق ماده ۳۸۷ قانون مدنی «ب» درست است.

۴- منظور از ضمان معاوضی چیست؟

- الف) منظور این است که طرفین عقد بیع، ملزم به مبادله ثمن و مبیع هستند.
- ب) منظور این است که بایع و مشتری پس از فسخ بیع، باید از عهده مخارج هم برآیند.
- ج) منظور این است که هر یک از طرفین عقد بیع، ضامن سلامت هر یک از عوضین هستند.
- د) منظور این است که اگر مبیع قبل از تسلیم تلف شود، این تلف از مال فروشنده محسوب خواهد شد.

طبق ماده ۳۸۷ ق.م.گزینه «د» درست است.



قاعده نفی سبیل

نفی سبیل قاعده‌ای فقهی است. سبیل در لغت به معنای در راه است اما در اصطلاح فقهی به معنای قانون و شریعت به کار می‌رود. به این معنا که خداوند هیچ حکمی وضع نمی‌کند که سبب تسلط کافران بر مؤمنان شود. به بیان دیگر، در دین، حکمی نیست که موجب تسلط کافری بر مسلمان شود. اهمیت این قاعده نشان دهنده عزت و کرامت مسلمانان است و به آنها اجازه نمی‌دهد در برابر کفار، ذلیل و تحت سلطه باشند.

قاعده نفی سبیل جزو قواعد ثانویه فقهی است و بر احکام اولیه تقدم دارد. یعنی اگر حکمی از احکام اولیه با این قاعده در تعارض باشد، قاعده نفی سبیل مقدم است و آن حکم را باطل می‌کند.

- فقها از این قاعده برای استنباط احکام مختلفی استفاده می‌کنند. مانند:
- ابطال شرکت مفاوضه (عقد واقع میان دو یا چند نفر مبنی بر مشارکت در آنچه که مالک می‌شوند) بین مسلمان و کافر.
- ممنوعیت تولیت کافران بر اوقاف مسلمانان
- حرمت ازدواج زن مسلمان با مرد کافر.

- این قاعده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز منعکس شده و به عنوان یکی از اصول اساسی سیاست خارجی و داخلی کشور، در جهت حفظ استقلال و جلوگیری از سلطه‌پذیری مورد توجه قرار گرفته است. (اصل ۱۵۲ قانون اساسی).
- در قانون مدنی در ماده ۱۱۹۲ تصریح شده است، ولی مسلمان نمی‌تواند برای مولی علیه خود وصی غیرمسلمان معین کند.

مستندات قاعده نفی سبیل

الف) قرآن: سوره نساء آیه ۱۴۱ می‌فرماید: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» خداوند هرگز بر زبان مؤمنان بر کافران، راه تسلطی قرار نداده است. به آیه چنین استناد شده است: غلبه کافران بر مؤمنان امری است که روی داده و در قرآن از آن سخن آمده



قاعده درء

«درء» در لغت به معنای «دفع کردن، دور کردن و جلوگیری کردن» است. قاعده درء یا درأ یا تدرء الحدود بالشبهات یا تبرئه در حال شک، قاعده فقهی و جزائی است.

در حقوق کیفری اسلام بدین معناست که اگر در اجرای مجازات (حدود، قصاص، تعزیر) شبهه‌ای وجود داشته باشد، مجازات ساقط می‌شود یا تخفیف می‌یابد. به عبارت دیگر، این قاعده بیانگر سیاست کیفرزدایی و محکومیت‌زدایی در اسلام است. به بیان دیگر، اگر شبهه‌ای در مورد تحقق جرم، شرایط مسئولیت مرتکب یا در نحوه اجرای مجازات وجود داشته باشد، قاعدع درء به کار می‌رود تا از اجرای مجازات جلوگیری یا آن را تخفیف دهد. به عنوان مثال اگر در یک جرم تعزیری، شکی در مورد قصد مجرمانه وجود داشته باشد، قاعده درء، می‌تواند باعث تخفیف مجازات حتی عدم اجرای آن شود.

مستند قاعده درء

(الف) روایات: مهمترین مستند این قاعده، حدیث معروف است که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «تدرء الحدود بالشبهات: حدود را به شبهات دفع کنید.» در این زمینه، روایات دیگری نیز وجود دارد. از جمله روایتی که بیان می‌کند، اگر کسی به دین اسلام مشرف شود و نسبت به احکام زنا، شرب خمر و ربا جاهل باشد و پس از آن مرتکب این اعمال شود، مجازات نخواهد شد مگر اینکه مشخص شود او از حرمت آن آگاه بوده است.

(ب) اجماع و تسالم اصحاب: فقهای امامیه و سایر فقهای اسلام بر این قاعده اتفاق نظر دارند و در موارد مختلف بر اساس آن فتوا داده‌اند. این اتفاق نظر بر اعتبار و قوت این قاعده می‌افزاید.

(ج) حکم عقل: عقل حکم می‌کند که برای اجرای هر حکمی، باید موضوع آن حکم و شرایط تحقق آن به طور کامل احراز شود. در مواردی که در تحقق موضوع یا شرایط وقوع جرم شبهه وجود داشته باشد، اجرای حد یا مجازات صحیح نیست.

سوالات قاعده درء

۱- قاعده درأ (تدرء الحدود بالشبهات) در حقوق جزا منطبق با کدام اصل است؟

(الف) قاعده وزر (اصل شخصی بودن مجازات)

(ب) قاعده قبح بلا بیان (اصل قانونی بودن مجازات)

(ج) تفسیر به نفع متهم (تبرئه در حال شک)

(د) التعزیر بما دون الحد

✓ گزینه «ج» درست است.

۲- در قاعده درأ، کدام شبهه مدنظر می باشد؟

(الف) شبهه حکمیه، شبهه مصداقیه

(ب) شبهه مرادیه، شبهه موضوعیه

(ج) شبهه حکمیه به دلیل فقدان نص، اجمال نص، تعارض نص و شبهه موضوع به دلیل

اشتباه در امور خارجی

(د) هر سه مورد

✓ گزینه «د» درست است.

۳- شبهه در عنصر مادی و قانونی به ترتیب مصداق کدام یک از شبهات فقهی است؟

(ب) حکمی - موضوعی

(الف) موضوعی - حکمی

(د) حکمی - حکمی

(ج) موضوعی - موضوعی

✓ گزینه «الف» درست است.

۴- قاعده درأ در کدام گزینه کاربرد ندارد؟

(د) دیات

(ج) تعزیرات

(ب) قصاص

(الف) حدود

✓ گزینه «د» درست است.

قاعده درأ در جرائم موجب دیه کاربردی نداشته زیر ماهیت دیه جبران خسارت است نه مجازات

۵- در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اعمال قاعده درأ را قانون گذار در کدام گزینه



قاعده لوث و قسامه

قسامه

قسامه در لغت به معنای قسم یاد کردن است. قسامه در اصطلاح حقوقی ایران، سوگندهایی است که شاکی یا متهم برای اثبات یا رد جنایت در شرایطی به نام «لوث» (وجود شواهد و قرائن ناکافی برای رسیدن به علم قاضی) اقامه می‌کند. هدف از قسامه، اثبات اصل وقوع جنایت، رد اتهام، یا مشخص کردن کیفیت جنایت (عمدی یا غیرعمدی بودن آن) است. این نهاد ریشه در فقه اسلامی دارد. در قانون مجازات اسلامی در موارد ۳۱۲ تا ۳۴۶ به تفصیل شرح داده شده است. «لوث» موضوع برای قسامه است و به‌طور مستقل مورد بررسی قرار نگرفته، در حقیقت قسامه وقتی قابل اعمال است که قتل از موارد لوث باشد. لوث در لغت به معنای آلوده کردن و لکه‌دار کردن چیزی آمده و چون در متهم شدن به قتل نیز نوعی آلوده شدن به خون مردم نهفته است و در اصطلاح «لوث» به معنای وجود شواهد و اماراتی است که قاضی با وجود آنها، نسبت به ارتکاب جنایت توسط متهم به ظن قوی می‌رسد، اما این شواهد به تنهایی برای یقین قاضی کافی نیست.

مستندات قسامه

اگرچه در قرآن مستقیماً به «قسامه» اشاره نشده است اما مفهوم سوگند به عنوان دلیل اثبات دعوا در آن وجود دارد.

روایات: از امام صادق(ع) نقل شده است که می‌فرماید: «القسامه حق و هی مکتوبه عندنا و لولا ذلك لقتل الناس بعضهم بعضاً ...» «قسامه حق و نزد شیعه ثابت شده است و اگر چنین نبود بعضی از مردم بعضی دیگر را به قتل می‌رساندند...»

یزدبن معاویه از امام صادق(ع) نقل کرده است: «قامه دلیل بر عهده مدعی و قسم بر عهده منکر است مگر در خون» و روایات متعددی در این خصوص ذکر گردیده است.

اجماع و تسالم فقها: فقهای مسلمان اجماع دارند که قاعده لوث و قسامه حجت بوده و معتبر می‌باشد.

قواعد فقهی مهم

در کتب فقهی و حقوقی و قوانین جزائی، قواعد متعددی ذکر شده است. به جهت مطالعه دانش پژوهان عزیز به اختصار، به تعداد معدودی از قواعد فقهی مهم که در محاکم دادگستری کاربرد بیشتری دارند اشاره می‌گردد.

انحلال عقد واحد به عقود متعدد

قاعده «انحلال عقد واحد به عقود متعدد» قاعده‌ای در فقه و حقوق است که بر اساس آن، اگر در یک عقد واحد، چندین مورد معامله وجود داشته باشد و یکی از موارد اشکال قانونی داشته باشد، عقد به چند قسمت تجزیه می‌شود. به طوری که قسمت صحیح، صحیح و قسمت باطل، باطل باقی می‌ماند. شرط تحقق این قاعده قابلیت تجزیه مورد معامله به بخش‌های مستقل است. به طوری که هر بخش بتواند به طور جداگانه مورد معامله واقع شود و قیمت‌گذاری شود. در صورتی که مورد معامله قابل تجزیه نباشد، انحلال رخ نمی‌دهد.

به عنوان مثال اگر فروشنده‌ای چندین کالا را به یک نفر بفروشد، اما یکی از کالاها متعلق به دیگری باشد و رضایت به فروش آن نداشته باشد، در این صورت عقد در مورد کالاهایی که متعلق به فروشنده بوده صحیح و در مورد کالایی که متعلق به غیر بوده باطل یا فاسد است. یا مثلاً اگر در ضمن یک ایقاع، دو عین وقف شود و یکی از آن دو قابل وقف نباشد، وقف نسبت به عین قابل وقف صحیح و نسبت به دیگری باطل است. □ گرچه ماده قانونی بالصراحه با این عنوان وجود ندارد، قواعدی در قوانین مدنی و فقه به این اصل اشاره دارند و موارد انحلال را در عقود مختلف از جمله بیع و اجاره و وقف بیان می‌کنند. این قاعده به صورت امضایی است و شارع، مبنای عقلی آن را امضاء کرده است.

□ بنا بر نظر برخی از حقوق‌دانان قاعده انحلاق عقد واحد به عقود متعدد منطبق با ماده ۴۳۱ قانون مدنی است که بیان می‌دارد: «در صورتی که در یک عقد چند چیز فروخته شود، بدون این که قیمت هر یک علیحده معین شده باشد و بعضی از آنها معیوب



الدلیلان إذا تعارضا تساقطا

قاعده فقهی «الدلیلان إذا تعارضا تساقطا» به این معناست که اگر دو دلیل با یکدیگر در تضاد و تعارض باشند هر دو از درجه اعتبار ساقط شده و فاقد ارزش استفاده می‌باشند. پس از تساقط دو دلیل متعارض، در صورت شک میان حکم شرعی، به اصول عملیه مانند اصل برائت، رجوع می‌شود.

تعارض بر دو قسم است. تعارض واقعی و تعارض ظاهری.

تعارض واقعی زمانی رخ می‌دهد که اراده واقعی شارع (قانون‌گذار) در دو دلیل با یکدیگر منافات داشته باشد. به طوری که امکان جمع بین آن دو وجود ندارد و نمی‌توان هر دوی آن‌ها را خواست (این تعارض منطبق با قاعده (الدلیلان إذا تعارضا تساقطا) است). در مقابل تعارض ظاهری به وضعیتی گفته می‌شود که در ظاهر دو دلیل با یکدیگر تعارض دارند، اما با بررسی و با اعمال قواعدی می‌توان رفع تعارض نمود و می‌توان بین دو دلیل را جمع کرد. (این تعارض منطبق با قاعده (الجمع مهما أمکن أولى من الطرح) می‌باشد.

مثال تعارض واقعی در ذیل اصل تأخر حادث (اقدامات همزمان پدر و جد پدری برای انجام امور مربوط به ولایت قهری) بیان گردید. مثال تعارض ظاهری نیز از مباحث اصول فقه می‌باشد که به‌طور مبسوط در ابواب مختلف من جمله، تخصیص، تخصص، ورود و حکومت با مثال‌های قانونی، مطرح گردیده است.

قبح عقاب بلا بیان

قاعده «قبح عقاب بلا بیان» یا «اصل قانونی بودن مجازات» به آن معناست که مادام که عملی توسط شرع، نهی نشده و آن نهی به مکلف ابلاغ نشده، چنانچه شخصی مرتکب گردد، مجازات او عقلاً قبیح و زشت است و مادام که عملی توسط شرع واجب نشده و امر شارع به مکلف ابلاغ نشده، چنین شخصی ترک کند، مجازات او بر ترک فعل مزبور عقلاً قبیح و زشت است. این قاعده یکی از پایه‌های مهم در حقوق کیفری است. مفاد اصلی آن این است که: «هیچ عملی جرم محسوب نمی‌شود و برای آن مجازاتی در نظر گرفته نمی‌شود، مگر اینکه قبلاً توسط قانون‌گذار به صراحت جرم اعلام شده باشد.